

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)  
سال چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۳۴

DOI: [10.22051/TQH.2017.14029.1509](https://doi.org/10.22051/TQH.2017.14029.1509)

## انجبار ضعف سند و گونه‌های آن از منظر شیخ انصاری

محمد مهدی باقری<sup>۱</sup>  
محسن دیمه کار گراب<sup>۲</sup>

10.22051/tqh.2017.14029.1509

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۲/۰۹

### چکیده

شیخ انصاری یکی از بزرگترین فقیهان اصولی و محقق امامیه در قرون متأخر به شمار می‌آید. در این میان تحقیقات وی پیرامون انجبار ضعف سند حدیث در جای‌جای میراث علمی وی از ابعاد گوناگونی چون علم رجال، اصول فقه، نقد سند و تاریخ حدیث قابل بررسی است. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد شیوه مواجهه شیخ انصاری با ضعف سند به دنبال تبیین و بررسی انجبار ضعف سند و گونه‌های آن از منظر شیخ انصاری می‌باشد.

---

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق(ع). (نویسنده مسؤول)

m.baqeri135@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد

mdeymekar@gmail.com

بررسی‌ها نشان می‌دهد که انجبار با شهرت عملی، انجبار با شهرت فتوایی، انجبار به اجماع منقول و محصل، انجبار با قواعد فقهی، انجبار ضعف راوی به روایت اصحاب اجماع از وی مهمترین گونه‌های انجبار ضعف سند در آثار اوست. نقل روایت با سندی صحیح و صحت روایت از منظر علماء امامیه به عنوان دو شیوه دیگر در دفاع از اعتبار حدیث و نیز واکاوی پیشینه انجبار و جایگاه آن در مکتب اصولیان از دیگر مباحث این نوشتار به شمار می‌رود.

**واژه‌های کلیدی:** شیخ انصاری، انجبار ضعف سند، شهرت عملی و فتوایی، اجماع منقول و محصل.

## مقدمه

مقوله ضعف سند در میراث روایی امامیه یکی از مباحثی است که از دیرباز تاکنون ذهن فقیهان را به ویژه در حوزه استنباط و فقه استدلالی به خود جلب نموده است و هریک بر پایه مبانی و اصول حدیث شناسی خویش رویکرد خاصی در مواجهه با این پدیده داشته‌اند، در این میان با توجه به جایگاه فقهی و اصولی شیخ انصاری (د ۱۲۸۱ق) در نزد متأخران، و رویکرد وی در دفاع از اعتبار و حجیت برخی از روایات محکوم به ضعف سند، اهمیت بازخوانی شیوه و سبک او ضرورت می‌یابد؛ لذا مسئله اساسی این نوشتار آن است که شیخ انصاری در مواجهه با ضعف سند از چه شیوه‌هایی به منظور انجبار ضعف سند بهره برده است. لیکن پیش از پرداختن به این امر، پیشینه انجبار و جایگاه آن در مکتب اصولیان در سیر تاریخ حدیث با تحلیلی نوین بیان می‌شود:

### ۱. پیشینه و جایگاه «انجبار» در مکتب حدیثی فقیهان امامی

واکاوی پیامدهای تغییر و تحول در ملاکهای پذیرش حدیث و ارائه تقسیمات رباعی حدیث و فروع آن در مباحث تاریخ حدیث که شاید بتوان نقطه عطف آن را در مکتب ابن طاوس، علامه حلی و دیگران دانست و نیز موضع گیری‌هایی که توسط اخباریان و

افرادی که گرایش به آنها داشته‌اند و نیز تدوین اصول و قواعد جدید در پذیرش حدیث از جمله طرق متعدد انجبار ضعف‌سند از ناحیه اصولیان این احتمال را تقویت می‌کند که انجبار ضعف‌سندی به نوعی در مقابله با انتقادهای جدی اخباریان به اصولیان مبنی بر تقسیمات رباعی حدیث و فروع آن باشد که این تقسیم‌بندی جدید دامنه صحت روایات کتب‌اربعه را از میزان حداکثری و بلکه از صحت و قطعیت صدور تمام روایات کتب‌اربعه که اخباریان به آن باور داشتند، به میزان قابل توجهی می‌کاست.

از سوی دیگر این امر در مقام استنباط احکام برای اصولیان خالی از مشکل نبود زیرا روایات بسیاری از محدوده صحت حدیث خارج شده بود لذا گاه میزان روایات صحیح ناظر به یک حکم شرعی به یک یا دو مورد می‌رسید و گاه روایت صحیحی به اصطلاح متأخران برای یک حکم وجود نداشت لذا در مواجهه با این کاستی و خلأ جدی بازنگری در امر مذکور این ضرورت را برای اصولیان ایجاد می‌نمود که در بازنگری مجدد پس از تقسیم رباعی یک نوع ماده متمم برای این قانون جدید لحاظ نمایند.

لذا می‌توان تلاش‌هایی که از ناحیه اصولیان در تأسیس قواعد اصولی و ملاک‌های متعدد در پذیرش حدیث سامان یافت را به نوعی در راستای جبران این کاستی و خلأ جدی در استنباط احکام دانست و به نوعی در مسیر اعتبار بخشی به دسته‌ای از روایات بود که از محدوده صحت و اعتبار خارج شده بود. لذا انجبار ضعف‌سند به معیارها و ملاک‌های گوناگون به خوبی می‌توانست این کاستی و خلأ جدی را برطرف نماید.

در خصوص پیشینه «انجبار» گفتنی است که بکارگیری لفظ «انجبار» به محقق حلی (د ۶۷۶ق) می‌رسد به عنوان نمونه وی در «المختصر النافع» در مباحث وصیت به روایتی استناد کرده و در ادامه شهرت را منجبر ضعف آن دانسته است (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۶۶). وی در «المعتبر» نیز در ذیل روایتی که به دلیل واقفی بودن «علی بن ابی حمزه» محکوم به ضعف است، ضعف آن را با عمل اصحاب به این روایت و قبول کردن آن منجبر دانسته است (همو، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۸).

علامه حلی نیز از اصطلاح «اعتضاد» به منظور انجبار ضعف‌سندی استفاده کرده (نک: حلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۲۰ و ج ۳، ص ۴۷ و ج ۸، ص ۵۵۰) پس از ایشان بکارگیری لفظ

«انجبار» در میراث علمی فقیهان بعدی نیز دیده می‌شود (نک: شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۰۸، ۲۹۵؛ مقداد سیوری، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۴ و همو، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۹۱؛ شهید ثانی، بی‌تا، ص ۱۴۳).

البته برخی از گونه‌های انجبار در قرون چهارم و پنجم دیده می‌شود، به عنوان نمونه «تلقی به قبول» که به تصریح محقق حلی، صاحب‌جواهر و شیخ انصاری نوعی انجبار به شمار می‌رود (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۸؛ نجفی، بی‌تا، ج ۴۰، ص ۴۳؛ انصاری، کتاب‌الطهارة، ج ۴، ص ۴۱۸). در میراث علمی قرن چهارم و پنجم و پس از آن دیده می‌شود (رک: ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۶۳-۶۴ و ۷۸؛ مفید، تصحیح الاعتقاد، ص ۶۱؛ همو، الفصول المختارة، ص ۹۷؛ همو، الإفصاح، ص ۱۲۹؛ کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۶۸؛ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۶، ۸۷؛ همو، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۶، ۲۴۰؛ طبرسی، بی‌تا، ص ۱۶۵؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۴۴ و ج ۲، ص ۱۹ و ج ۳، ص ۲۴، ۲۴۶).

بکارگیری قاعده «انجبار» توسط فقیهان بعدی نیز به کار می‌رفت تا اینکه در میراث علمی «وحید بهبانی» میزان بهره‌گیری از این قاعده به اوج خود رسید. «وحید بهبانی» بر این باور است که همه فقهای متقدم و اکثر متأخرانی که قائل به حجیت خبر واحد هستند، بر جبران ضعف خبر به واسطه شهرت و امثال آن اتفاق نظر دارند (وحید بهبانی، بی‌تا، ص ۴۸۷) و در صورت تعارض، خبر ضعیف منجبر را بر خبر صحیح مقدم می‌کنند (همان، ص ۴۹۱)، بلکه اخبار ضعیفی که فقهاء بدان استناد کرده‌اند، چندین برابر اخبار صحیح است، زیرا در غیر این صورت باب اثبات فقه به کلی بسته خواهد شد؛ زیرا شکی نیست که در «یک صدم» فقه نیز حدیث صحیح وارد نشده، و آن مقدار که حدیث صحیح رسیده، از جهات عدیده مبتلی به اختلالات بسیاری است (همان، ص ۴۸۷-۴۸۸).

در «الفوائد الرجالیه» نیز مبنای قبول خبر را به گونه‌ای سامان داده که حجیت خبر موثوق به جانشین حجیت خبر ثقه شده، یعنی، از افراط و تفریط پیشینیان (اخباری و اصولی) در قبول روایات دوری کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۵). بر پایه دیدگاه وی مبنی بر حجیت خبر موثوق به از یکسو و حجیت خبر ضعیف منجبر و ترجیح آن بر خبر صحیح در مقام تعارض، در میراث علمی وی گونه‌های متعدد انجبار ضعف سند به خوبی پیداست، به

گونه‌ای که با بکارگیری قواعدی چون قاعده اصحاب اجماع، مشایخ الثقات، مشایخ اجازه، و کالت معصومان(ع)، و افرادی که احمد بن محمد بن عیسی از ایشان روایت کرده، به عنوان دلیل و یا آماره بر وثاقت‌راویان و استفاده به منظور انجبار ضعف سند، تلاش بسیاری در دفاع از اعتبار حدیث انجام داد(نک: وحید بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۳۳۲ و ج ۴، ص ۴۲ و ج ۶، ص ۲۰۴-۲۰۵ و ج ۸، ص ۳۷۱-۳۷۲ و ج ۹، ص ۱۴۲ و ج ۱۰، ص ۲۶۴، ۴۲۰).

گویا شکوفایی انجبار در میراث علمی وحید بهبهانی بی‌تأثیر از فضای احتجاجات و مناظرات او با یوسف بحرانی و دیگر اخباریان نباشد چه اینکه با شکوفایی و گستره محدوده «انجبار» به عنوان یک مسلک کارآمد حدیثی از یکسو از اعتبار روایات دفاع می‌شد که در مکتب اصولی قرون هفتم به بعد با تحول ملاک صحت حدیث با تقسیمات رباعی، دامنه احادیث صحیح بسیار محدود شده بود، این امر با مخالفت‌های جدی اخباریان مواجه بود، از سوی دیگر گستره روایات فقهی قابل استناد در عرصه استنباط فقهی گسترش می‌یافت.

به هر روی با مسلک حدیثی «انجبار» شکاف میان اصولیان و اخباریان امامی که یکی از زمینه‌های بروز آن تقسیمات رباعی حدیث بود، تا حدودی رفع می‌شد و به نظر می‌رسد بها دادن به انجبار و شکوفایی آن در شمار ابتکارات حدیثی وحید بهبهانی است. خلاصه اینکه اگرچه برخی از گونه‌های انجبار در قرون چهارم و پنجم دیده می‌شود لیکن «انجبار» در آثار وحید بهبهانی به اوج شکوفایی خود رسید و این روند در اصولیان بعدی همچون صاحب‌جواهر(نک: نجفی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰، ۳۹، ۱۸۲، ۳۷۵، ۳۷۶ و ج ۳، ص ۶۵، ۴، ص ۱۴۸، ۱۵۶) و شیخ‌انصاری به همین صورت ادامه یافت.

در میراث علمی فقیهان اصولیان برخی از گونه‌های انجبار دیده می‌شود که عبارت است از:

- انجبار با موافقت با قرآن کریم(مقدادسیوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۶۲)

- انجبار با شهرت(نک: وحید بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۴۲؛ همو، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۷۴)

- انجبار به عمل کردن اصحاب به روایت و تلقی به قبول (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۸)

- انجبار به اجماع منقول (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب الصوم، ص ۲۷۸-۲۸۰) و انجبار به اجماع محصل (انصاری، ۱۴۱۵، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۳۰۴).

- انجبار با اصل (بحرالعلوم، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۱۲؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۳۹).

- انجبار با قواعد فقهی (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۴۶۸؛ انصاری، کتاب الطهاره، ج ۵، ص ۷۱).

- انجبار با نقل مشایخ الثقات و یا اصحاب اجماع از یک راوی (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۲۱۹ و ج ۱۰، ص ۴۲۰؛ همو، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۶۶؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۱۶۰).

در خصوص پیشینه این تحقیق نیز لازم به ذکر است که مقاله‌ای با عنوان «واکاوی شیوه‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث» پیش از تدوین مقاله پیش رو از همین نویسندگان به طبع رسیده است،<sup>۱</sup> که در آن نوشتار روش‌شناسی اندیشه نظام‌مند شیخ انصاری در شیوه‌های نقد سند حدیث بررسی شده است که توجه به ویژگی شخصیتی راویان (همچون اصحاب اجماع، مشایخ الثقات، مروی عنه احمد بن محمد بن عیسی، بنی فضال)، توجه به اضممار حدیث، بررسی اتصال سند، اشاره به مجهول بودن راوی، توجه به اشتراک راویان از مهمترین شیوه‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث بود.

گفتنی است انجبار ضعف سند نیز یکی دیگر از شیوه‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث است که در مقاله پیشین در دو نمونه به اختصار بدان اشاره شد، لیکن مطالعات بیشتر در میراث علمی شیخ انصاری حکایت از این داشت که مقوله انجبار یکی از پرکاربردترین شیوه‌های رجالی و نقد سندی شیخ انصاری است که نه تنها در حد یک

۱. دیمه کار، محسن و محمد مهدی باقری، (تابستان ۱۳۹۵)، «واکاوی شیوه‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث»، مجله مطالعات اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم و هشتم، شماره ۱۰۵، صص ۶۵-۸۷.

مقاله که در قالب پایان نامه نیز قابل بررسی است افزون بر اینکه تاکنون هیچ پژوهشی پیرامون انجبار و گونه‌های آن در میراث علمی شیخ انصاری سامان نیافته است. لذا نظر به جدید بودن این پژوهش و جذاب بودن آن در حوزه مباحث رجالی و فقه استدلالی و نیز تلاش روشمند آن در تبیین و تحلیل نوع اجتهاد شیخ انصاری در مواجهه با برخی از اسناد روایی محکوم به ضعف در مکتب اصولیان امامی، این پژوهش پژوهشی نظری و کاربردی در عرصه اجتهاد و فقه استدلالی به شمار می‌رود لذا بررسی علمی این موضوع در میراث علمی شیخ انصاری امری ضروری است که در این نوشتار به آن می‌پردازیم:

## ۲. روش شیخ انصاری در انجبار ضعف سند

یکی از نوآوری‌های شیخ انصاری این است که برای بحث انجبار با شهرت و یا هر اماره غیر معتبر به منطوق آیه نبا «...إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ...» (حجرات: ۶) استدلال نموده است به شرط آنکه «تبیین» را تحصیل عمومی ظن در نظر بگیریم، در این صورت خبر فاسقی که از عدم کذب آن در امان باشیم، حجت و پذیرفته خواهد شد.

بنابراین اخبار و روایات موثق و حسن را می‌توان پذیرفت بلکه حتی اخبار ضعیف را به شرط محفوف به قرینه صدق مثلاً با وجود شهرت منجر گردیده باشند را می‌توان پذیرفت (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶).

این مطلب نشان می‌دهد که ایشان در نگاه اصولی خویش چنین رویه اعتدالی را برگزیده زیرا محل بحث این آیه در میان اصولیان برای استدلال به حجیت خبر واحد است و ایشان علاوه بر این مطلب بحث انجبار و ضوابط خاص آن را هم از آیه فهم نموده است. شیخ انصاری در برخی از موارد که سند روایت را ضعیف ارزیابی می‌کند به منظور جبران ضعف سند به قرائنی استناد می‌نماید که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

## ۲-۱. انجبار با شهرت

انجبار با شهرت گونه دیگری از انجبار در آثار شیخ انصاری است که در بخش‌های زیر قابل بررسی است:

### ۲-۱-۱. انجبار با شهرت عملی

شهرت عملی عبارت است از اینکه بیشتر فقها طبق حدیثی عمل نموده و طبق آن فتوا داده باشند اعم از اینکه مشهور محدثین این حدیث را نقل کرده باشند یا خیر (رک: نائینی - خویی، ۱۳۵۲ش، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰؛ مظفر، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۱۶۹).

در اینکه شهرت عملی ضعف روایت را منجر می‌کند و کاشف از محفوف به قرینه بودن روایت است، هیچ اشکالی وجود ندارد (نائینی - خویی، ۱۳۵۲ش، ج ۲، ص ۱۰۰) البته گروهی از فقها معتقدند که شهرت عملی نمی‌تواند ضعف سند را جبران نماید، همانگونه که اعراض اصحاب نمی‌تواند حدیث صحیح یا موثوق را از درجه اعتبار ساقط نماید. این عقیده را برخی از فقهای شیعه مانند صاحب مدارک پذیرفته‌اند. به هر روی شیخ انصاری در گروه اول قرار دارد چه اینکه از شهرت عملی به منظور انجبار ضعف سندی استفاده کرده که به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

**الف -** در مسائل پیرامون «وجوب تعیین الإمام» به روایتی از سکونی اشاره کرده و تصریح کرده که ضعف سند این روایت به سکونی بر فرض ثبوت ضعف، به عمل اصحاب امامی همانگونه که نقل شده انجبار می‌یابد (انصاری، ۱۴۱۵، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۴۰۱؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۹۹۹).

**ب -** وی درباره کیفیت نماز احتیاط در ارتباط با مسأله شک بین دو و سه و چهار، به روایت مرسلی از «ابن ابی عمیر» از یکی از اصحاب از امام صادق (ع) استناد کرده (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۵۳؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۸۷). وی در ادامه می‌نویسد: مرسل بودن سند علاوه بر اینکه این روایت از «ابن ابی عمیر» می‌باشد، با شهرت انجبار می‌یابد (انصاری، ۱۴۱۳، أحكام الخلل فی الصلاة، ص ۱۶۰).



این مطلب ناظر به مبنای وی در خصوص اصحاب اجماع و مشایخ الثقات است که مشایخ الثقات به جز از ثقات نقل حدیث نمی کنند. توضیح اینکه شیخ طوسی در باب تعارض دو روایت تصریح می کند: اگر یکی مسندا روایت را نقل نموده باشد و دیگری مرسلا، به حال مرسل نگاه می شود (قاعده بر تقدم مسند بر مرسل است)، اما اگر مرسل از کسانی باشد که جز از ثقة نقل روایت نکنند، بنابراین هیچ ترجیحی برای خبر دیگری بر خبر او نیست (روایت او نیز در حکم اعتبار مسند خواهد بود) لذا دانشمندان امامی بین روایات ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، بزندی و دیگر ثقات که جز از ثقة روایت نمی کنند، و بین روایات مسند دیگران قائل به تساوی شده اند (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۴).

لذا به صراحت سه تن از ایشان را ثقة دانسته که منشأ قاعده‌ای در علم رجال گردیده است. بر اساس این قاعده، مراسیل «ابن ابی عمیر»، «صفوان بن یحیی» و «بزندی» در حکم مسانید است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۴).

شیخ انصاری از این قاعده به مثابه یک مبنای رجالی در نقد سند استفاده نموده است. به عنوان نمونه در ذیل روایتی از مشایخ ثلاثه از «بزندی» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۲۲۲-۲۲۳). درباره «بزندی» می نویسد: «لا یروی إلیا عن ثقة» (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۷۸-۷۹).

وی در ذیل روایت دیگری از «بزندی» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۵؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۶۱). نیز به این عبارت درباره «بزندی» استناد کرده و بر اساس این قاعده، روایت «بزندی» از «ضحاک بن زید» را مؤید و بلکه دلیلی بر وثاقت «ضحاک بن زید» دانسته علاوه بر اینکه تقدم «بزندی» بر «ضحاک بن زید» را با توجه به اینکه «بزندی» از اصحاب اجماع می باشد را موجب بی نیازی از تشخیص وضعیت رجالی «ضحاک بن زید» دانسته است (انصاری، ۱۴۱۵، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۴۶).

ج- وی در مباحث روزه، «مضمضه نمودن آب در هنگام روزه برای خنکی فضای دهان و کم شدن عطش اگر در حین انجام این عمل آب از دهان پایین رود که سهوا و یا بدون اختیار باشد»، بنابر مشهور [بلکه بنابر اجماع] را موجب قضاء روزه دانسته و در ادامه دلالت روایت سماعة (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۳۲۲-۳۲۳؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۱) و

یونس (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۰۵) را ناظر به این حکم دانسته و ضعف این دو روایت را با شهرت منجبر دانسته است (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب الصوم، ص ۱۴۹-۱۵۰).

گویا ضعف روایت اول به دلیل واقفی بودن «عثمان بن عیسی» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۰؛ طوسی، بی تا، ص ۳۴۶؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۴۰ و ۳۶۰). و به دلیل «سماعه بن مهران» که علاوه بر توثیق در برخی کتب رجال واقفی ذکر شده باشد (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۳۷؛ حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۸). و چه بسا در روایت «سماعه» به این دلیل باشد که شیخ انصاری این روایت را به صورت مرسل از «من لایحضره الفقیه» نقل کرده و یا اگر به مسند بودن آن در تهذیب دقت داشته سند روایت در تهذیب به صورت صحیح به «عثمان بن عیسی» رسیده لکن وی ظاهراً غیر امامی و بنا بر قولی از اصحاب اجماع است.

البته در مورد «عثمان بن عیسی» این نکته‌ای را که از اصحاب اجماع است را کشتی بیان نموده، علامه نیز ضمن اذعان به واقفی بودن وی طریق شیخ صدوق به سماعه را که در میان سلسله روایات عثمان بن عیسی وجود دارد را حسن دانسته و در مورد واقفی بودن وی نیز ادله از وحید بهبهانی و سید بحر العلوم وجود دارد که این مدعا را کمرنگ می‌نماید (وحید بهبهانی، تعلیقه علی منهج المقال، ص ۲۴۰؛ بحر العلوم، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۱۰). اما ضعف روایت دوم به دلیل وجود «سهل بن زیاد» در سند است که در برخی کتب رجال ضعیف شمرده شده (ابن غضائری، ۵۹؛ نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۸۵). شیخ طوسی نیز گاه او را تضعیف و گاه توثیق کرده (طوسی، بی تا، ص ۲۲۸؛ همو، ۱۴۱۵، ص ۳۸۷؛ حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۸). شیخ انصاری امر «سهل بن زیاد» را سهل تلقی نموده که گویا وی در اینجا متأثر از دیدگاه مجلسی است که به دلیل اینکه از مشایخ اجازه بوده، ضعف وی را مضر به سند ندانسته (مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۹۱؛ همو، ۱۴۰۴، مرآة العقول، ج ۱۹، ص ۱۷۱). و نیز متأثر از مجلسی اول که او نیز با اشاره به این مطلب به تفصیل ضعف وی را غیر ثابت دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۵۱۴).

و نیز به دلیل موقوف بودن روایت به «یونس بن عبد الرحمن» باشد. از سوی دیگر شرط استفاده از قاعده صحت حدیث اصحاب اجماع در نگاه افرادی که این قاعده را

پذیرفته‌اند، این بود که سند حدیث به صورت صحیح به یکی از اصحاب اجماع برسد لکن در سند روایت یونس، «سهل بن زیاد» وجود دارد و این روایت موقوف به یونس است و به نظر می‌رسد روایت موقوف از اصحاب اجماع در نگاه شیخ انصاری مشمول قاعده مذکور نشود.

شیخ انصاری گاه ضعف سند یک روایت را با «عدم خلاف در مسأله» منجبر دانسته که بیانگر این است که فقیهان امامی در خصوص آن مسأله با یکدیگر اختلاف نظر نداشته‌اند (رک: انصاری، ۱۴۱۵، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۵۲۵-۵۲۶؛ انصاری، ۱۴۱۳، أحكام الخلل فی الصلاة، ص ۱۳۸؛ انصاری، ۱۴۱۵، القضاء و الشهادات، ص ۴۰-۴۱). انجبار به عدم خلاف در مسأله نیز از مواردی است که در شمار شهرت عملی می‌گنجد. در خصوص بکارگیری مستقل این اصطلاح در کنار اصطلاح شهرت و اجماع، گویا تعبیر به «عدم خلاف در مسأله» در مواردی است که از شهرت بسیار قریب به اجماع برخوردار باشد.

شیخ انصاری گاه در کنار شهرت به عدم اختلافی بودن مسأله نیز اشاره کرده است رک: کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۵۸۴؛ کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۲۴۲). عدم خلاف اولاً از اعتبار کمتری برخوردار است، ثانیاً در طول شهرت قرار دارد نه در کنار آن بدین دلیل که اولاً باید مسأله عدم خلاف باشد و ثانیاً به قدری در میان فقها مورد پذیرش بوده باشد که به درجه شهرت رسیده باشد در آن صورت اعتبار بهتری خواهد داشت، لذا می‌توان اجماع را به لحاظ طولی بالاتر از شهرت دانست زیرا محصول اجماع علاوه بر آنچه که در درون شهرت است گویی حکایت از یک بیانیه مشترک دارد که به تأیید مجمعین رسیده است.

تلقی به قبول شدن از منظر امامیه نیز در ذیل شهرت عملی است مانند نمونه‌های زیر (رک: انصاری، ۱۴۱۳، کتاب الطهارة، ج ۴، ص ۴۱۸؛ همو، بی‌تا، ص ۲۹۰؛ همو، ۱۴۲۵، کتاب الحج، ص ۸۲-۸۳؛ همو، ۱۴۱۳، کتاب النکاح، ص ۱۰۰). به عنوان نمونه وی در تأیید دیدگاه تسامح در ادله سنن به ادله گوناگونی استدلال کرده که یکی از آن ادله «روایات من بلغ» است وی پس از نقل نمونه‌های متعددی از آن روایات که برخی از آنها صحیح می‌باشد، می‌نویسد: این روایات با وجود صحت برخی از آن روایات، به دلیل تعاضد

یکدیگر و تلقی به قبول شدن در میان بزرگان امامیه بی نیاز از بررسی سندی است (رسائل فقهیه، ص ۱۳۷).

گویا ایشان اندیشه‌ای که بعدها توسط آیه‌الله بروجردی به صورت اصطلاحی بیان شد، در فقه خویش به کار گرفته است، اندیشه‌ای که در نظرات امام خمینی (ره) نیز نمایان است (بروجردی، ۱۴۱۶، ص ۱۹؛ همو، ۱۴۱۵، ص ۵۴۴؛ امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۶۲).

به عبارت بهتر مجموعه اماراتی که دست به دست هم داده است تا فقهای متاخر را به این نتیجه برساند که با توجه به وجود اصول دست‌اول روایثه و شیوع بهره‌مندی از آن به نحوی که احتمال پدیده جعل را تا حد زیادی پایین آورده که از مویدات تقویت این احتمال اهتمام اصحاب ائمه در جمع‌آوری و تدوین کتب مبوب و تدوین شده است (رک: انصاری، بی‌تا، ج ۱، ۱۶۷-۱۶۸) که باعث شکل‌گیری مفهوم اصول متلقاتی (شهرت‌مقدمان) هستیم که از لابلاي آثار فقهی ایشان آن را بدست آورد، البته جعل این اصطلاح به صورت تعینی را آیه‌الله بروجردی پایه‌گذاری نمود.

## ۲-۱-۲. انجبار با شهرت فتوایی

شهرت فتوایی آن است که بیشتر فقهای عظام طبق حکمی از احکام فتوا داده باشند بدون اینکه مدرک فتوا برای ما روشن باشد، بلکه مجرد شهرت فتواییه است حال اعم از اینکه طبق فتوای مشهور اصلا حدیثی نباشد و یا باشد، ولی ما یقین داشته باشیم که آن حدیث مدرک این فتوا نیست و یا ما شک داشته باشیم و ندانیم که مدرک این فتوا آن حدیث است یا خیر (رک: نائینی-خویی، ۱۳۵۲ ش، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰؛ مظفر، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۱۶۹).

گروهی از علما از قبیل شهید اول و فقهاء دیگر شهرت فتوایی را حجت از جمله ظنون معتبره دانسته‌اند (رک: آشتیانی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۱۹۴) در مقابل بسیاری از فقیهان و اصولیان شهرت فتوایی را حجت نمی‌دانند، به عنوان نمونه آخوند خراسانی ادله اقامه شده همانند «فحوای ادله حجیت خبر واحد»، «تنقیح مناط»، «علتی» که در آیه نباء ذکر شده، و

یا روایاتی همانند «مقبوله ابن حنظله» بر حجت شهرت فتوایی را مخدوش دانسته است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۲).

چنین می نماید که شهرت فتوایی از شمار ظنونی است که در تحت اصل «حرمه العمل بالظن» باقی مانده و دلیل قاطعی بر حجیت آن نیست و دلایلی هم که طرفداران حجیت آن آورده اند ضعیف است (رک: آشتیانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۸؛ مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۶۹).

شیخ انصاری در این گروه قرار دارد وی شهرت فتوایی را به عنوان ظنون خاص نمی پذیرد، البته تصریح می کند اعتقاد به حجیت آن (شهرت) از حیث آنکه مفید ظنی می باشد و از باب انسداد باب علم معتبر و حجت شده است بعید نیست (رک: انصاری، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۵). به عبارت دیگر اگر قائل به دلیل انسداد باب علم شویم (یعنی دستان از ادله خاص که اعتبار آن ثابت شده است کوتاه شد می توان به ادله ظنیه ای که دلیلی بر اعتبار آن نداریم و صرفاً یک نوع رجحان ایجاد می کند قائل شد) بگوییم که برای ما حجت است.

با این وجود شیوه وی در فقه چنین است که ادله ای مثل همین شهرت فتوایی را به عنوان موید ذکر کنند نه دلیل مستقل، در واقع الفاظ بیان شده شیخ انصاری در کتب فقهی خویش دقیق است زیرا در برخی از لفظ بدل و در برخی از موارد هم یوید استفاده نموده است (و یوید بفتوی الاصحاب).

نمونه های زیر بیانگر این شیوه انجبار ضعف سند در آثار شیخ انصاری است:

**الف-** در ارتباط با برخی از مبطلات روزه به روایتی مضمرا از «سلیمان بن حفص» اشاره کرده و در ادامه این روایت را با فتوای گروهی از دانشمندان بزرگ متقدم و متأخر امامی منجبر دانسته است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۱۴؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۴؛ کتاب الصوم، ص ۴۷).

**ب-** وی در مباحث پیرامون غسل میّت به روایت مرسلی اشاره کرده (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۴۱). و در ادامه ضعف سند را به دلیل موافقت با قرآن و فتوای فقیهان امامی منجبر دانسته است (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب الطهاره، ج ۴، ص ۲۰۸).

ج- در ارتباط با مسائل اختیار حق فسخ نکاح به دو روایت از «سکونی» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۱۲؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۱؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۳۰). و «إسحاق بن عمار» استناد کرده (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۳۰-۴۱۳). و ضعف این دو روایت را با فتوای بیشتر فقهاء و حکایت اجماع در «الغنیة» منجبر دانسته است (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب النکاح، ص ۴۴۲-۴۴۳).

ضعف روایت اول به دلیل «عامی» بودن «سکونی» است (ابن داود حلی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۶؛ حلی، ۱۴۱۱، ۱۹۹). ضعف روایت دوم نیز به دلیل «إسحاق بن عمار» که نجاشی او را توثیق کرده (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۱). لکن شیخ طوسی علاوه بر توثیق، او را فطحی دانسته است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۳۱؛ همو، بی تا، ص ۳۹). لکن سید بحر العلوم در «الفوائد الرجالیة» به تفصیل به بازشناسی شخصیت رجالی «سکونی» پرداخته و پس از بیان ادله گوناگون قائل به وثاقت وی شده است (بحر العلوم، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۲۴). لذا در صورت اثبات وثاقت «سکونی» نیازی به قاعده انجبار نیست.

ارزش شهرت روایت در نگاه شیخ انصاری به اندازه‌ای است که اگر روایتی صحیح باشد، وی صحت آن را به تنهایی به منظور پذیرش آن روایت، کافی نمی‌داند بلکه باید خلاف مشهور و موافق با دیدگاه عامه نباشد (به عنوان نمونه نک: انصاری، ۱۴۱۳، کتاب الصوم، ص ۹۲-۹۳).

ارزش شهرت فتوایی در نگاه شیخ انصاری به اندازه‌ای است که اگر روایتی صحیح باشد، وی صحت آن را به تنهایی به منظور پذیرش آن روایت، کافی نمی‌داند بلکه باید خلاف مشهور و موافق با دیدگاه عامه نباشد (به عنوان نمونه نک: انصاری، ۱۴۱۳، کتاب الصوم، ص ۹۲-۹۳).

## ۲-۲. انجبار به دلیل اجماع

انجبار به دلیل اجماع گونه دیگری از انجبار ضعف سندی است که در دو بخش زیر قابل بررسی است:

## ۲-۲-۱. انجبار به اجماع منقول

اجماع در اصطلاح به دو دسته تقسیم می‌شود: اجماع محصل و اجماع منقول. مراد از اجماع محصل اجماعی است که فقیه خودش با جستجو در اقوال اهل فتوا آن را بدست می‌آورد (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۲۰). و مقصود از اجماع منقول آن اجماعی است که فقیه خودش آن را بدست نیاورده، بلکه فقیهی که آن را بدست آورده برایش نقل می‌کند، خواه این نقل با یک واسطه باشد یا با چند واسطه (همان، ج ۳، ص ۱۲۰). طبعاً اجماع محصل از اعتبار بیشتری نسبت به اجماع منقول برخوردار است، البته هر دو اجماع مادامی که کاشف از رأی معصوم (ع) نشود فاقد حجیت است.

در موارد زیر می‌توان به وجود این نوع از انجبار در آثار شیخ انصاری پی‌برد:

**الف-** در مباحث مکاسب محرمه به حرمت «نجش» اشاره کرده و دلیل آن را روایتی نبوی دانسته که در آن ناجش و منجوش لعنت شده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ص ۲۸۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۵۹). و ضعف آن به اجماع منقول از «جامع المقاصد» و «المنتهی» مبنی بر حرمت نجش منجر می‌داند (حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۳۱۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۹).

نجش افزودن بر قیمت کالا است، بدون قصد خرید تا دیگران بشنوند و به خاطر افزایش او بر آن بیفزایند حال چه با هماهنگی و یا بدون هماهنگی با فروشنده باشد (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب‌المکاسب، ج ۲، ص ۶۱-۶۲).

**ب-** در ارتباط با مسأله جواز افطار برای پیرمرد و پیرزن به روایتی از «ابراهیم بن ابی‌زیاد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۶۵-۳۶۶؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۰۷-۳۰۸). استناد کرده و ضعف آن را به اجماع منقول و عدم خلاف در این مسأله منجبر دانسته (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب‌الصوم، ص ۲۷۸-۲۸۰). «ابراهیم بن ابی‌زیاد» در کتب رجال توثیق و تضعیفی درباره وی نقل نشده است، لذا مجلسی این روایت را مجهول می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۵۸۷).

برای مشاهده نمونه‌های دیگر از این دست رک: انصاری، کتاب‌الطهاره، ج ۴، ص ۱۰۶-۱۰۷ و ص ۴۰۱-۴۰۲ و ج ۵، ص ۱۹۵-۱۹۷؛ کتاب‌الصلاة، ج ۱، ص ۲۸۶ و ج ۲،

ص ۲۷۷ و ۳۴۱ و ۳۵۲-۳۵۳؛ کتاب الصوم، ص ۱۳۷؛ کتاب الزکاة، ص ۷۶-۷۷ و ۱۵۶ و ۲۹۶-۲۹۷؛ کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۲۷۴).

در مورد اجماع منقول می‌توان به این مطلب از شیخ انصاری اشاره کرد که به شرط قائل شدن به وجود تلازم عادی میان اجماع نقل شده و موافقت با قول معصومین و یا وجود دلیل ظنی معتبر در نزد ما که با مضمون اجماع موافق باشد می‌توان آنرا پذیرفت که برای حصول آن طرق مختلفی وجود دارد و برخی از آنها را هم نقد می‌نماید.

**اول:** ناقل اجماع حسا علم وجود قول امام برایش حاصل شود که شیخ انصاری با قاطعیت عدم وجود چنین طریقی را حتی میان شیخ طوسی و سید مرتضی محال می‌داند.

**دوم:** قاعده لطف که توسط شیخ طوسی مطرح شده است برای پذیرش اجماع منقول که بعید است فقها بر حکمی متفق شوند و اگر نادرست باشد، امام آنرا به نحوی متذکر نسازد که این نیز نزد شیخ انصاری پذیرفته نیست زیرا طریق علمی محسوب نمی‌شود.

**سوم:** طریق حدسی که حصول آن به دو صورت است که یا از مبادی محسوس حاصل شود یعنی به نوعی بازگشت به طریق حس می‌نماید و یا حدس حاصل از اخبار جماعت متفقی باشد که برای حدس زنده علم به عدم خطا بودن اجتماعشان شود، لکن الزاما اخبارشان عاداتا مطابق قول معصوم نخواهد بود. در نتیجه شیخ انصاری به دلیل عدم وجود مستند برای اجماع منقول در مقام عمل حکم به توقف داده‌اند (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۰-۸۷).

به بیان دیگر شیخ معتقد است که اگر برای فقیهی که خود تتبع در فتاوا نموده است احتمال قائل شدن به اینکه قول معصوم را هم تتبع نموده باشد بنابراین اشکالی در حجیت چنین اجماع منقولی نخواهد بود و از این لحاظ ملحق به خبر واحد است که احکام خاص خود را برای پذیرش دارد.

البته شیخ وقوع چنین حالتی را منتفی دانسته است (همان، ص ۹۵). ولی از طرف دیگر ادعای چنین اجماعی از اهل فتوا را بنا بر محتمل بودن و لحاظ نمودن کتب و آرای فقهی متقدم توسط مدعین را امری محتمل شمرده‌اند که باعث می‌شود خبر را عن حس که حجت است تلقی کنیم منتهی با وجود شروطی مثل امارات مویدی برای آن. اما آنچه که



در روش و داب شیخ انصاری بارز است استفاده از اجماع منقول در فروع فقهی است آن هم هنگام خالی شدن از ادله اصلی و فقط به عنوان موید در یک مساله کارآیی دارد که صحت این ادعا را می توان در چارچوب نظریه انجبار مشاهده نمود.

## ۲-۲-۲. انجبار به اجماع محصل

دو نمونه زیر گویای انجبار به اجماع محصل از منظر شیخ انصاری است:

**الف-** در ذیل شرط ذکوریت برای امام جماعت ابتدا دلیلی از اجماع نقلی که توسط شیخ طوسی، علامه و شهید اول مطرح شده است می آورد و پس از آن پا را فراتر نهاده که گویی خود ایشان با توجه به تتبعی که انجام نموده اند و آنرا در اکثر کتب امامیه یافته اند و یا با توجه به اینکه اعلام فقهای شیعه در قرون متفاوت ناقل اجماع برحکمی یکسان بوده اند برایشان علم به وجود چنین اجماعی شده است که از این اجماع به اجماع محصل یاد کرده اند که ضعف روایات بدان منجر می شود (انصاری، ۱۴۱۵، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۳۰۴).

**ب-** وی در مباحث روزه «معاودة الجنب النوم ثالثا عقیب انتباهتین» را از مفطرات موجب قضاء و کفاره دانسته و پس از اشاره به اجماع، احتمال داده که دلیل آن، روایت سلیمان بن جعفر مروزی (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۱۲). و روایت ابراهیم بن عبدالحمید باشد (همو، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۱۲-۲۱۳). سپس می نویسد: ضعف سند این دو روایت خدشه وارد نمی سازد به دلیل انجبار آن با اجماعات محکیه [بلکه با شهرت محکیه] بلکه ظاهرا به اجماعات محصل (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب الصوم، ص ۱۷۳).

## ۲-۳. انجبار با قواعد فقهی

قواعد فقه، فرمول های بسیار کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می گیرند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲-۳). نمونه های زیر گویای انجبار ضعف سند روایت با قواعد فقهی در آثار شیخ انصاری است:

**الف-** در مباحث وجوب تبعیت مأموم از امام به این مسأله پرداخته که آیا متابعت در صحت جماعت شرط است یا نه متابعت واجب‌تبعیدی است و نماز جماعت با اخلال در متابعت باطل نمی‌شود. ایشان قول اول مبنی بر اینکه متابعت شرط در صحت جماعت می‌باشد را مبتنی بر ظهور روایتی از پیامبر(ص)(ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۳۲۲) دانسته و این روایت‌نبوی را با قاعده توقیفی بودن عبادت منجبر می‌داند(انصاری، ۱۴۱۵، کتاب‌الصلاة، ج ۲، ص ۳۷۶ و ۳۸۰). در سند این روایت در أمالی صدوق برخی رجال عامه وجود دارند. بخشی از این روایت در مصادر اهل سنت نقل شده است(رک: بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۷؛ مسلم، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۸).

**ب-** شیخ انصاری در مسأله شیر حیوان مرده، ابتدا طهارت آن را قوی دانسته لکن در ادامه به تقویت قول به نجاست آن پرداخته است و در ادامه مباحث خویش به روایتی از «وهب بن وهب» از حضرت علی(ع) استناد کرده که ایشان شیر گرفته شده از حیوان مرده را حرام دانسته‌اند(حمیری، بی تا، ص ۶۳-۶۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۷۶-۷۷). و تصریح کرده که این روایت گرچه از دروغگوترین مردم(وهب) نقل شده(کشی، ۱۳۴۸، ص ۳۰۹). و موافق با مذهب عامه می‌باشد لکن این روایت با قاعده انجبار می‌یابد... (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب‌الطهاره، ج ۵، ص ۷۰-۷۱).

مراد شیخ انصاری از قواعد مذکور، «عموم دلیل نجاسته أجزاء المیتة» و «عموم ما دل علی انفعال المائع بملاقاة النجس» بوده که روایت «وهب بن وهب» موافق با این دو قاعده بوده و روایات طهارت آن مخالف با این دو قاعده است(رک: فقه‌الشیعه - کتاب‌الطهاره، ج ۲، ص ۳۹۷-۳۹۹). برای مشاهده نمونه دیگر رک: انصاری، ۱۴۱۳، کتاب‌الطهاره، ج ۱، ص ۷۴-۷۵ و ج ۲، ص ۱۵۰).

## ۲-۴. انجبار ضعف‌راوی به روایت کردن اصحاب اجماع از وی

«اصحاب اجماع» اصطلاحی در علم رجال است که مراد از آن هجده نفر از اصحاب معصومانند که کشی در مورد تصدیق و تصحیح روایات آنان از منظر امامیه ادعای اجماع کرده است(رک: کشی، ۱۳۴۸، ص ۵۵۶، ۳۷۵، ۲۳۸).

شیخ انصاری گاه ضعف راوی حدیث را با روایت کردن اصحاب اجماع از وی منجبر دانسته است. به عنوان نمونه شیخ انصاری در ادامه مسائل «منزوحات بشر» در «کتاب الطهارة» پس از اشاره به روایتی از «ابن ابی عمیر» از «کردویه» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۳). ضعف «کردویه» را به روایت کردن «ابن ابی عمیر» از او منجبر دانسته و در کنار آن با شهرت در این مسأله نیز استناد کرده است (انصاری، ۱۴۱۳، کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۲۴۳).

ضعف «کردویه» به دلیل آن است که در کتب رجال ذکری از وی به میان نیامده لذا مجهول الحال است (عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۱۸؛ مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۱۴۴؛ همو، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۸۳). از سوی دیگر شرط بکارگیری قاعده اصحاب اجماع این است که سند به صورت صحیح به یکی از اصحاب اجماع برسد (رک: وحید بهبهانی، بی تا، ص ۲۹-۳۰). در این صورت ارسال سند پس از این افراد و نیز نقل از راوی مجهول و مهمل خدشه‌ای به اعتبار سند وارد نمی‌سازد و به تعبیر شیخ انصاری موجب بی‌نیازی از تشخیص وضعیت رجالی مروی عنه ایشان می‌شود (رک: انصاری، ۱۴۱۵، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۴۶). که در این مورد شرط مذکور محقق است. نکته دیگر اینکه همگامی شیخ انصاری با وحید بهبهانی در بکارگیری این قاعده و حتی احتمال تأثر از وی در این منبا به خوبی نمایان است.

### ۳. شیوه‌های دیگر شیخ انصاری در اعتبار بخشی به روایت

دو شیوه آتی نیز از دیگر شیوه‌های شیخ انصاری در اعتبار بخشی به روایت است:

#### ۳-۱. نقل روایت با سندی صحیح

شیخ انصاری گاه در مواجهه با ضعف سندی یک روایت به نقل همان روایت به سندی صحیح در کتب روایی دیگر اشاره کرده که این امر در نمونه‌های زیر به خوبی پدیدار است:

**الف-** وی در خصوص نمازگزارى که نمى‌داند چند رکعت خوانده است، وجوب إعادة نماز را به دلیل روایات مستفیضه بر دیدگاه جواز بناء بر اقل، ترجیح داده است مانند روایتی از ابوالحسن (ع) (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۸۷) و در ذیل آن مى‌نویسد:

«اگرچه این روایت در تهذیب به طریقی نقل شده که در آن «عباد بن سلیمان» وجود دارد و او ظاهراً مجهول است [که موجب تضعیف روایت مى‌شود] لکن این روایت در «الکافی» به طریق محمد بن خالد برقی نقل شده است، که صحت آن بنا بر عدم ضعف برقی (مبنای ایشان به استناد گزارش شیخ طوسی) بعید نیست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۵۸؛ انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، ۱۴۱۳، ص ۵۹-۶۰). ناگفته پیداست نقل روایت با طریق سند صحیح از جمله روش‌های وی در تقویت حدیث است.

نجاشی «محمد بن خالد برقی» را ضعیف (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۳۵). لکن شیخ طوسی او را ثقة دانسته (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۶۳). علامه حلی نیز به دیدگاه شیخ طوسی اعتماد کرده است (حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۳۹). شیخ انصاری نیز همچون علامه حلی دیدگاه شیخ طوسی مبنی بر توثیق وی را بر تضعیف نجاشی ترجیح داده است.

برای مشاهده نمونه دیگر رک: انصاری، ۱۴۱۳، کتاب النکاح، ص ۳۵۸-۳۵۹؛ همو، ۱۴۱۱، رساله فی الرضاع، ص ۳۹۷-۳۹۹؛ همو، ۱۴۱۳، کتاب الطهارة، ج ۵، ص ۳۴۲؛ همو، ۱۴۱۳، کتاب النکاح، ص ۳۸۹).

در موارد مذکور شیخ انصاری به صراحت نگفته است که این روایت سند دار سبب انجبار آن روایت ضعیف است، چه اینکه این موارد انجبار آن روایت نیست. بلکه طبعاً به همان روایت صحیح عمل می‌شود، لذا چه بسا انجبار در این موارد مطرح نباشد، چنانکه شیخ انصاری نیز در موارد مذکور به انجبار اشاره ای نکرده است، لیکن تلاش مذکور از شیخ انصاری در یادکردی از نقل همان روایات مرسل و ضعیف، با سند صحیح در کتب روایی دیگر به نوعی در راستای اعتباربخشی به آن روایت محکوم به ضعف و سند آن دیدگاه فقهی است لذا از این حیث عناوین مذکور در ذیل مباحث انجبار و تحت عنوان شیوه‌های دیگر شیخ انصاری در اعتبار بخشی به روایت بیان گردید.

### ۲-۳. صحت روایت از منظر برخی از علماء امامیه

گونه دیگری از انجبار ضعف سند، صحیح تلقی شدن روایت از ناحیه برخی از فقیهان امامی است. نمونه‌های زیر بیانگر این مطلب در آثار شیخ انصاری است:

**الف-** شیخ انصاری در ارتباط با کیفیت کفاره جماع در روزه ماه رمضان و افطار کردن بر حرام در این ماه به روایتی از اباصلت از امام رضا(ع) اشاره کرده و تصریح کرده که علامه حلی و شهید ثانی این روایت را صحیح دانسته‌اند(انصاری، کتاب الصوم، ۱۴۱۳، ص ۹۴؛ حلی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۷۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۰).

**ب-** وی روایتی از «ابوبصیر» و «سماعه بن مهران» را بیانگر این می‌داند که اگر بر کسی دو ماه روزه پی در پی واجب شد و از انجام این کار عاجز بود هجده روز روزه بگیرد(طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۲۰۷-۲۰۸، ۳۱۲؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۷).

در ادامه روایت را صحیح و قابل اعتماد نمی‌داند مگر اینکه حکم مذکور شهرت داشته باشد، در غیر این صورت، حکم به وجوب صدقه به میزانی که توانایی دارد، بهتر است چنانکه صاحب مدارک و ابن جنید نیز و نیز شیخ صدوق در مقنع به دلیل روایتی از عبدالله بن سنان(کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۱۰۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۵) که برخی از فقهاء آن را صحیح دانسته‌اند، چنین حکم کرده‌اند(انصاری، کتاب الصوم، ۱۴۱۳، ص ۱۸۹-۱۹۰).

گویا ضعف روایت اول به دلیل مجهول بودن «عبدالجبار بن مبارک» و نیز شاید به دلیل واقعی بودن «سماعه»(طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۳۷) باشد. و چنانکه پیداست به منظور جبران ضعف آن با شهرت عملی فقهاء در این حکم اشاره نموده و همانگونه که در باب شهرت عملی بیان شده است بایستی مبنای استناد به چنین شهرتی وجود روایتی که از اعتبار قابل قبول(نه حد بالای اعتبار) برخوردار باشد که در مورد روایت عبدالله بن سنان وصف به صحت این روایت را که عده‌ای از فقهاء بدان قائل شده‌اند را می‌پذیرد و این روایت اساس و مبنای شهرت عملی واقع می‌گردد.

البته وصف به صحت روایت، لزوماً به معنی پذیرش آن روایت از منظر شیخ انصاری نیست بلکه چه بسا مخالفت آن با مشهور و موافقت آن با دیدگاه اهل سنت و احتمال حمل

آن بر تقیه موجب عدم پذیرش روایت گردد (رک: انصاری، ۱۴۱۵، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۲).

گفتنی است ثمره قاعده انجبار، جذب حداکثری و دفع حداقلی روایات در حوزه استنباط فقهی و نیز دفاع از اعتبار کتب روایی متقدم امامی است. و شاید به نوعی تلاشی است در ارائه مکتب میانه نقد حدیثی میان مکتب اصولی و مکتب اخباری. لذا این موضعگیری یک استراتژی هوشمندانه در مکتب اصولیان به شمار می‌رود به ویژه در برابر انتقادات اخباریان در باب تقسیم رباعی حدیث به روش اصولیان.

از سوی دیگر به هر اندازه که یک فقیه اصولی به میزان بیشتر و از طرق بیشتری در انجبار ضعف‌سندی بهره‌برد این امر در راستای جذب حداکثری و دفع حداقلی روایات در حوزه استنباط فقهی است که در میان فقیهان اصولی به نظر می‌رسد پس از وحید بهبهانی و صاحب جواهر، شیخ انصاری در زمره این گروه است زیرا وی همانگونه که جای جای این نوشتار به آن اشاره شد از شیوه‌های گوناگونی به منظور انجبار ضعف‌سندی استفاده کرده که این امر به خوبی در برابر اخباریان و اصولیان، شیخ انصاری را به صورت فقیه و اصولی میانه رو نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

۱. انجبار با شهرت عملی و شهرت فتوایی، انجبار به اجماع منقول و محصل، انجبار با قواعد فقهی، تلقی به قبول شدن از منظر امامیه، انجبار ضعف راوی به روایت کردن اصحاب اجماع، نقل روایت با سندی صحیح، صحت روایت از منظر برخی از علماء امامیه از وی مهمترین گونه‌های انجبار ضعف‌سند در آثار شیخ انصاری است.

۲. بهره‌گیری از گونه‌های متعدد انجبار ضعف‌سند در آثار شیخ انصاری به منظور دفاع از اعتبار حدیث به خوبی حکایت از جذب حداکثری روایات و یا رویکرد حداکثری به اعتبار روایات و گسترش قلمرو روایات در استنباط فقهی است. که این امر تلاشی نوین از یکی از فقیهان اصولی در عرصه اعتبار بخشی به روایت در میان دو طیف مکتب اصولی و مکتب اخباری است.

۳. شیخ انصاری در بحث انجبار با شهرت و اماره‌های دیگر به منطوق آیه بنا استدلال نموده است به شرط آنکه «تیین»، تحصیل عمومی ظن در نظر گرفته شود، در این صورت خبر فاسقی که از عدم کذب آن در امان باشیم، حجت و پذیرفته خواهد شد بنابراین اخبار و روایات موثق و حسن را می‌توان پذیرفت بلکه حتی اخبار ضعیف را به شرط محفوظ به قرینه صدق مثلاً با وجود شهرت منجبر گردیده باشند را می‌توان پذیرفت. در حالی که محل بحث این آیه در میان اصولیان برای استدلال به حجیت خبر واحد است و لکن شیخ انصاری علاوه بر این مطلب بحث انجبار و ضوابط خاص آن را هم از آیه فهم نموده است که این امر از نوآوری‌های شیخ انصاری در عرصه علم الحدیث به شمار می‌رود.

۴. در میان فقیهانی که شهرت فتوایی را از جمله ظنون معتبره و حجت دانسته‌اند و فقیهان دیگر که به عدم حجیت آن باور دارند، شیخ انصاری شهرت فتوایی را بماهی حجت ندانسته است و آن را به عنوان ظنون خاص نمی‌پذیرد، اما حجیت آن را از حیث آنکه مفید ظنی باشد، از باب انسداد باب علم، بعید ندانسته است، به هر روی در فقه اماراتی مانند شهرت فتوایی را به عنوان موید ذکر می‌کند نه دلیل مستقل.

## منابع

### قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹)، **کفایة الأصول**، قم: موسسه آل البیت علیهم السلام.
- آشتیانی، محمدحسن بن جعفر (۱۴۲۹ق)، **بحر الفوائد فی شرح الفرائد**، بیروت: موسسه التاریخ العربی.
- ابن‌ادریس حلّی، محمد بن منصور (۱۴۱۰)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۶۲)، **الأمالی**، قم: انتشارات کتابخانه اسلامیة.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۱)، **معانی الأخبار**، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۳)، **النخصال**، قم: جامعه مدرسین.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۵)، **کمال الدین و تمام النعمه**، چاپ دوم، تهران: اسلامیة.

- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳)، **من لا یحضره الفقیه**، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹)، **مناقب آل اُبی طالب (ع)**، قم: مؤسسه انتشارات علامه.
- ابن غضائری، احمد بن اُبی عبدالله (۱۳۶۴)، **رجال**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن فهد حلّی، احمد (۱۴۰۷)، **المهذب البارع فی شرح المختصر النافع**، تحقیق مجتبی عراقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- احمد بن حنبل (بی تا)، **مسند احمد**، بیروت: دار صادر.
- انصاری، مرتضی (۱۴۰۴)، **الاجتهاد و التقليد**، قم: کتابفروشی مفید.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۶)، **فوائد الأصول**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳)، **أحكام الخلل فی الصلاة**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۲۵)، **کتاب الحج**، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۵)، **کتاب الخمس**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۵)، **کتاب الزکاة**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۵)، **کتاب الصلاة**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳)، **کتاب الصوم**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳)، **کتاب الطهارة**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳)، **کتاب المكاسب المحرمة و البیع و الخيارات**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳)، **کتاب النکاح**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۴)، **رسائل فقهیة**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۱)، **رسالة فی التحريم من جهة المصاهرة**، قم: دارالذخائر.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۱)، **رسالة فی الرضاع**، قم: دارالذخائر.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۵)، **رسالة فی الوصایا**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۵)، **القضاء و الشهادات**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- بحر العلوم، سید مهدی (۱۴۲۷)، **مصاییح الأحکام**، به کوشش سید مهدی طباطبائی و فخر الدین صانعی، قم: منشورات میثم التمار



- بحر العلوم، سید مهدی (۱۴۰۵)، **الفوائد الرجالية**، به کوشش محمد صادق وحسین بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵)، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، به کوشش محمد تقی ایروانی - سید عبد الرزاق مقرر، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بخاری، محمد بن إسماعیل (بی تا)، **صحیح البخاری**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، **المحاسن**، قم: دار الکتب الإسلامیة.
- بروجردی، آقا حسین طباطبایی (۱۴۱۶)، **البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر**، مقرر حسینعلی منتظری، قم: دفتر حضرت آیه الله بروجردی.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۵)، **نهاية الأصول**، تقریرات حسینعلی منتظری، تهران، نشر تفکر.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت (ع)
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰)، **تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة**، تحقیق ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۱)، **خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال**، قم: دار الذخائر.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳)، **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۲)، **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب**، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (بی تا)، **قرب الإسناد**، تهران، انتشارات کتابخانه نینوی.
- خویی، سید ابوالقاسم، **أجود التقريرات**، تقریرات درس میرزای نائینی، قم: مطبعة العرفان، ۱۳۵۲ ش.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸)، **فقه الشیعة - کتاب الطهارة**، تقریر سید محمد مهدی موسوی خلخالی، قم: مؤسسه آفاق.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳)، **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال**، بی جا، بی نا.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸)، **موسوعة الإمام الخوئی**، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
- دیمه کار، محسن و محمد مهدی باقری، (تابستان ۱۳۹۵)، «واکاوی شیوه های شیخ انصاری در نقد سند حدیث»، **مجله مطالعات اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد** / مجله فقه و اصول، سال چهل و هشتم، شماره ۱۰۵، صص ۶۵-۸۷.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸)، **موسوعة طبقات الفقهاء**، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

- شهید اول، محمد بن جمال‌الدین مکی عاملی (۱۴۱۹)، **ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة**، مؤسسه آل‌البت لِحیاء التراث.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (بی‌تا)، **حاشیة المختصر النافع**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۰)، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، تحقیق سیدمحمد کلانتر، قم: کتابفروشی داوری.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۲)، **روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰)، **تاریخ حدیث شیعه (۲)**، قم: دارالحدیث.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، **ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالادلة**، به کوشش محمد بهره‌مند، محسن قدیری، کریم انصاری، علی مروارید، قم: مؤسسه آل‌البت (ع).
- طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، **إعلام‌الوری**، تهران: دارالکتب‌الاسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱)، **اختیار معرفه الرجال**، انتشارات حیدریه، نجف.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، **الإستبصار فی ما اختلف من الأخبار**، دارالکتب‌الاسلامیة، تهران.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، **تلخیص الشافی**، تحقیق حسین بحر العلوم، قم: انتشارات‌المحبین.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۵)، **تهذیب الأحكام**، تهران: دارالکتب‌الاسلامیة.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۵)، **رجال‌الشیخ الطوسی**، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۷)، **العدة فی اصول‌الفقه**، به کوشش محمدرضا انصاری قمی، قم: مطبعة ستاره.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۱۱)، **الغیبة**، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- \_\_\_\_\_، (بی‌تا)، **الفهرست**، نجف اشرف، المكتبة المرتضویة.
- عاملی، حسن بن زین‌الدین (۱۴۱۸)، **معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین**، تحقیق سید منذر حکیم، قم: مؤسسه الفقه.
- عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱)، **مدارک الأحكام فی شرح عبادات شوائع الإسلام**، بیروت: مؤسسه آل‌البت (ع).

- فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله سیوری (۱۴۰۴)، **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، تحقیق سید عبد اللطیف حسینی کوه کمری.
- \_\_\_\_\_، (بی تا)، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، قم: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴)، **تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم**، قم: مؤسسه دارالکتاب.
- کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، **کنز الفوائد**، قم: انتشارات دار الذخائر.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸)، **رجال الکشی**، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴)، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ص)**، تحقیق سید هاشم رسولی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۶)، **ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار**، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۲۰)، **الوجیزه فی الرجال**، تحقیق محمد کاظم رحمان ستایش، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶)، **روضه المتقین**، تحقیق سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی و سید فضل الله طباطبائی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۸)، **المختصر النافع فی فقه الإمامیه**، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
- \_\_\_\_\_، (۱۴۰۷)، **المعتبر فی شرح المختصر**، تحقیق محمد علی حیدری و همکاران، قم: مؤسسه سید الشهداء (ع).
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶)، **قواعد فقه**، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- محمدی، علی (۱۳۸۷)، شرح اصول الفقه، شرح اصول فقه، قم: دار الفکر، چاپ: دهم
- مسلم بن حجّاج نیشابوری (بی تا)، **صحیح مسلم**، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- مظفر، محمد رضا، (١٤٣٠ق)، *اصول الفقه*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٣)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
- \_\_\_\_\_، (١٤١٣)، *الإفصاح فی الإمامة*، قم: کنگره شیخ مفید.
- \_\_\_\_\_، (١٤١٣)، *تصحیح الاعتقاد*، قم: کنگره شیخ مفید.
- \_\_\_\_\_، (١٤١٣)، *الفصول المختارة*، قم: کنگره شیخ مفید.
- موسوی خمینی، سید روح الله (١٤١٥)، *انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة*، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجاشی، احمد بن علی (١٤٠٧)، *رجال*، قم: جامعه مدرسین.
- نجفی، محمد حسن (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، تحقیق عباس قوچانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- وحید بهبهانی، محمد باقر (١٤١٧)، *حاشیة مجمع الفائدة و البرهان*، قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبانی،
- \_\_\_\_\_، (بی تا)، *الحاشیة علی مدارک الأحکام*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
- \_\_\_\_\_، (بی تا)، *الفوائد الرجالیة*، بی نا، بی جا، بی تا.
- \_\_\_\_\_، (١٤٢٤)، *مصابیح الظلام*، قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبانی.

### **Bibliography:**

1. The Holy Qur' an
2. Ākhūnd Khurāsānī, Muhammad Kāz im (1943) Kifāyah al-'Uṣ ūl, Qom: Mu'assisah Āl al-Bayt
3. Āshṭiyānī, Muhammad Hasan Ibn Ja'far(2008), Bahr al-Fawā'id Fi Sharh al-Farā'id, sBeirut: Mu'assisah al-Tārīkh al-'Arabī
4. Ibn Idrīs Hillī, Muhammad Ibn Manṣ ūr(1989), al-Sarā'ir al-Hāwī Li-Tahrīr al-Fatāwā, Qom: Enteshārāt Islāmī
5. Ibn Bābiwayh Qumī Muhammad ibn' Alī (1983), al-Amālī, Qom: Enteshārāt Kitābkhāneh Islāmī.
6. Ibn Bābiwayh Qumī Muhammad ibn' Alī (1982), Ma'ānī al-'Akhbār, Qom: Enteshārāt Jāme' ah Mudarresīn
7. Ibn Bābiwayh Qumī Muhammad ibn' Alī (1982), al-Khiṣ āl, Qom: Jāme' ah Mudarresīn
8. Ibn Bābiwayh Qumī Muhammad ibn' Alī (2016), Kamāl al-Dīn Wa Tamām al-Ni'nah, second, Tehran: Islāniyyah
9. Ibn Bābiwayh Qumī Muhammad ibn' Alī (1992) , Man Lāyahḍ aruh al-Faqāih, Qom Enteshārāt Jāme' ah Mudarresīn
10. Ibn Shahr Āshūb Māzandarānī, Muhammad ibn ' Alī (2000), Manāgib Āl Abī Ṭālib, Qom, Mu' assish Enteshārāt ' Allāmeḥ
11. Ibn Qaḍ ā'irī, Ahmad Ibn Abi 'Aba Allah (1985), Rijāl, Qom: Mu' assisah Ismā'īliyan
12. Ibn Fahad Hillī, Ahmad (1986). Al-Madhhab al-Nāri' Fi Sharh al-Mukhtaṣ ar al-Nāfi', research: Mujtabā 'Arāqī, Qom: Daftar Enteshārāt Islāmī.
13. Ahmad Ibn Hanbal, (n.d), al-Musnad Ahmad, Beirut : Dār Ṣādir
14. Ansārī, Murṭiḍ ā (1983), al-Ijtihād Wa al-Taqlīd, Qom: Kitāb Furūshī Mufīd.
15. Ansārī, Murṭiḍ ā (1995), Farā'id al-'Uṣ ūl, Qom: Mu' assisah al-Nashr al-Islāmī, 5<sup>th</sup> edit.
16. Ansārī, Murṭiḍ ā (1992). 'Ahkām al-Khilak Fi al-Ṣlāt, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
17. Ansārī, Murṭiḍ ā (2004), Kitāb al-Haj, Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī
18. Ansārī, Murṭiḍ ā (1994), Kitāb al-Kums, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
19. Ansārī, Murṭiḍ ā (1994), Kitāb al-Zakāt, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī

20. Ansārī, Murtiḍā (1994) *Kitab al-Ṣalāt*, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
21. Ansārī, Murtiḍā (1992), *Kitab al-Ṣawm*, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
22. Ansārī, Murtiḍā (1992), *Kitab al-Ṭahārat*, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
23. Ansārī, Murtiḍā (1992), *Kitab al-Makāsib al-Muharramah Wa al-Bay' Wa al-Khīyārāt*, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
24. Ansārī, Murtiḍā (1992), *Kitab al-Nikāh*, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
25. Ansārī, Murtiḍā (1992), *Rasā'il Faqīh*, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
- 26.
27. Ansārī, Murtiḍā (1990) *Rasā'il Fī al-Tahrīm Min Jihat al-Muṣ āhirah*, Qom: Dār al-Dhakhā'ir.
28. Ansārī, Murtiḍā (1990) *Rasā'il Fī al-Riḍ ā'*, Qom Dār al-Dhakhā'ir.
29. Ansārī, Murtiḍā (1994) *Rasā'il Fī al-Waṣ āyā*, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
- 30.
31. Ansārī, Murtiḍā (1994) *al-Qaḍ ā' Wa al-Shahādāt*, Qom: International conference on commemoration of Shaykh Ansārī
- 32.
33. Bahr al-'Ulūm, Sayyid Mahdī (2006), *Maṣ ābīh al-'Ahkām*, editor: Sayyid Mahdī Ṭabāṭ abāyī Wa Fakhr al-Dīn Ṣāni'ī, Qom: Manshūrāt Miītham al-Tammār.
34. Bahr al-'Ulūm, Sayyid Mahdī (١٩٨٤), *Fawā'id al-Rijālīyah*, Muhammad Ṣādiq Wa Hussein Bahr al-'Ulūm Tehran: Maktabah al- Ṣādiq.
35. Bahrānī, Yūsuf Ibn Ahmad (1948), *al-Hadā'iq al-Nāẓ irah Fī 'Ahkam al-'Itrat al-Tāhrah*, Muhammad Taqī Īrawānī- Sayyid 'Abd al-Razzāq Muqarram, Qom: Enteshārāt Islāmī.
36. Bukhārī, Muhammad Ibn Īsmā'īl, (n.d) *Ṣaḥīḥ al- Bukhārī*, Beirut: Dar Īhyā al-Turāth al-'Arabī,
37. Barqī, Ahmad Ibn Muhammad (1950), *al-Mahāsin*, Qom Dār al-Kutub al-Islāmiyyah
38. Burūjirdī, Āqā Hussein Ṭabāṭ abāyī (1995), *al-Badr al-Zāhir Fī Ṣalāt al-Num'ah Wa al-Musāfir*, Muqarrar Hussein 'Alī Muntaz irī, Qom: Daftar Āyat Allah Burūjirdī

39. Burūjirdī, Āqā Hussein Ṭabāṭ abāyī (1994), Nahāyah al-'Uṣ ūl, Taqrīrāt Hussein 'Alī Muntaẓ irī
40. Hurr ` Amulī, Muhammad ibn Hasan (n.d), Wasā` īl al-Shī` a, Qom: Mu'assisah Āl al-Bayt
41. Hillī, Hasan Ibn Yūsuf (1999), Tahrīr al-'Ahkām al-Sharī'ah 'Alā Madhhab al-Imāmīyah, research: Bahādurī, Qom: Mu'assisah Imām Ṣādiq.
42. Hillī, Hasan Ibn Yūsuf (1990) Khulāṣ at al-'Aqwāl, Fī Ma'rifah 'Ahwāl al-Rijāl, Qom: Dār al-Dhakhā'ir
43. Hillī, Hasan Ibn Yūsuf (1992) Mukhtalaf al-Shī'ah Fī 'Ahkām al-Sharī'ah, Qom: Enteshārāt Islāmī
44. Hillī, Hasan Ibn Yūsuf (1991) Muntahā al-Maṭ lab Fī Tahqīq al-Madhhab, Mashhad, Majma' al-Buhūth al-Islāmīyyah
45. Humyarī, 'Abd Allah Ibn Ja'far (n.d), Qurb al-Asnād, Tehran: Enteshārāt Kitāb Khānih Nīynawī,
46. Khu' ī, Sayyid Abu al-Qāsim, 'Ajwad al-Taqrīrāt, Taqrīrāt Dars Mīrzāyih Nā'īnī, Qom: Maṭ bi'ah al-'Irfān, (1973)
47. Khu' ī, Sayyid Abu al-Qāsim (1997), Fiqh al-Shī'ah, Kitāb al-Ṭahārah, Taqrīr Sayyid Muhammad Mahdī Mūsawī KhalKhālī, Qom: Mu'assisah Āfāq.
48. Khu' ī, Sayyid Abu al-Qāsim (1992), Mu'jam Rijāl al-Hadīth Wa Tafṣ īl Ṭabaqāt al-Rijāl
49. Khu' ī, Sayyid Abu al-Qāsim (1997) Mu'assisah al-Imām al- Khu' ī, Qom: Mu'assisah al-Ihyā' Āthār al-Imām al-Khu' ī
50. Deyme Kār, Muhsen and Muhammad Mahdī Bāqeri, (2016), "Vākāvī Shīvehāye Sheykh Anṣ āri Dar Naqd Sanad Hadīth" Majalleh Nuṭ āle'āt Eslāmī Dāneshgāh Ferdusī Mashhad/ Majalleh Feqh Va 'Uṣ ūl, vol: 105, pages: 65-87.
51. Subhānī, Ja' far, (1979), Mu'assisah Ṭabaqāt al-Fuqahā', Qom: Mu'assisah Imām Ṣādiq.
52. Shahīd Awwal, Muhammad Ibn Jamāl al-Dīn Makkī 'Āmilī (1998), Dhikrī al-Shī'ah Fī 'Ahkām al-Sharī'ah, Mu'assisah Āl al-Bayt Li-Ihyā al-Turāth.
53. Shahīd Thānī, Zayn al-Ddīn ` Alī ` Āmilī (n.d), Hāshīyah al-Mukhtaṣ ar al-Nāfī', Qom: Enteshārāt Daftar Tablīghāt Islamī Hawzeh 'Ilmīyah Qom
54. Shahīd Thānī, Zayn al-Ddīn ` Alī ` Āmilī (1989), al-Rawḍ ah al-Bahīyah fī Sharh al-Lum'ah al-Damishqīyah, research: Sayyid Muhammad Kalāntarī, Qom: Kitābfurūshī Dāwarī.

55. Shahīd Thānī, Zayn al-Ddīn ` Alī ` Āmilī (1981), Rawḍ al-Janān fī Sharh 'Irshād al-Adhhān, Qom: Enteshārāt Daftar Tablīghāt Islamī Hawzeh 'Ilmīyah Qom
56. Ṭabāṭ abāyī, Sayyid Muhammad Kāz im (۱۳۰۱) Tārīkh Hadith Shī'a(2), Qom: Dār al-Hadīth
57. Ṭabāṭ abāyī, Hā'irī, Sayyid 'Alī Ibn Muhammad(1997), Rīyāḍ al-Masā'il Fī Tahqīq al-'Ahkām Bi al-Dalā'il, By: Muhammad Bahrimand, Muhsen Qadīrī, Karīm Anṣārī, 'Alī Murwārīd, Qom: Mu'assisah Āl al-Bayt
58. Ṭabrisī, Fazl ibn Hasan, (n.d), A'lām al-Wurā, Tehran: : Dār al-Kutub al-Islāmīyah
59. Ṭūsī, Muhammad ibn Hasan (2002), Ikhtiyār Ma'rifat al-Rijāl, Enteshārāt Hīydarīyah, Najaf
60. Ṭūsī, Muhammad ibn Hasan (۱۳۰۱), al-Istibṣār Fīmā Ikhtalafa Min al-Akhbār, Dār al-Kutub al-Islāmīyah ,Tehran
61. Ṭūsī, Muhammad ibn Hasan (2003) Talkhīṣ al-Shāfi , research: Hussein Bahr al-'Ulūm, Qom Enteshārāt al-Muhibbīn
62. Ṭūsī, Muhammad ibn Hasan (1986) Tahdhīb al-Ahkām, Tehran: Dār al-Kutub Islāmīyah
63. Ṭūsī, Muhammad ibn Hasan (1994) Rijāl al-Shaykh Ṭūsī, Qom: Enteshārāt Jāme' ah Mudarresīn
64. Ṭūsī, Muhammad ibn Hasan (1996), al-'Uddah fī 'Uṣūl al-Fiqh, By: Muhammad Riḍā 'Anṣārī Qomī: Maṭ bi'ah Sitārih
65. Ṭūsī, Muhammad ibn Hasan (1990), al-Ghaybah, Qom: Mu'assisah Ma'āref Islāmī
66. Ṭūsī, Muhammad ibn Hasan (n.d), al-Fihrist, Najaf Ashraf, al-Maktabah al-Murtaḍawīyah
67. Āmilī, Hasan ibn Zayn al-Ddīn (1997), Ma'ālim al-Dīn wa Mulādh al-Mujtahidīn, research: Sayyid Mundhir Hakīm, Qom: Mu'assisah al-Fiqh
68. Āmilī Muhammad Ibn 'Alī(1990)Madārik al-'Ahkām fī Sharh 'Ibādāt Sharā' al-Islām, Beirut:Mu'assisah Āl al-Bayt
69. Fāḍil Miqdād, Miqdād Ibn 'Abd Allah Sīwarī (1983), al-Tanqīh al-Rā'i Li-Mukhtaṣar al-Sharā'i, Qom: Kitākhānih Āyat Allah Mar'ashī Najafī, research: Sayyid 'Abd al-Laṭīf Husseinī Kuh Kamarī
70. Fāḍil Miqdād, Miqdād Ibn 'Abd Allah Sīwarī (n.d) Kanz al-'Irfān fī Fiqh al-Qur'an, Qom: al-Maktabah al-Murtaḍawīyah Li-Ihyā' al-Āthār al-Ja'farīyah



71. Qomī, 'Alī ibn Ibrāhīm (1983), Tafsīr Mansūb Be 'Alī Ibn Ebrāhīm Qom: Mu'assisah Dār al-Kītāb
72. Karājīkī, 'Abu al-Fath Muhammad Ibn 'Alī(1989), Kanz al-Fawā'id, Qom:Enteshārāt Dār al-Dhakhā'ir
73. Kashshī, Muhammad Ibn 'Umar, (1969), Rijāl al-Kashshī, Mashhad: Enteshārāt Dānīshgāh Mashhad
74. Kulinī, Muhammad Ibn Ya'qūb, (19<sup>۹۷</sup>), Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah,
75. Majlisī, Muhammad Bāqir (198<sup>۳</sup>), Bihār al-Anwār Beirut: Mu' assisah al-Wafā'
76. Majlisī, Muhammad Bāqir (1983) Mir'āt al-'Uqūl fī Sharh Akhbār Āl al-Rasūl, research: Sayyid Hāshim Rasūlī, Tehran: : Dār al-Kutub al-Islāmīyah
77. Majlisī, Muhammad Bāqir (1985) Mulādh al-Akhyār fī Fahm Tahdhīb al-Akhabār
78. Majlisī, Muhammad Bāqir (1999), al-Wajīz fī al-Rijāl, research: Muhammad Kāz m Rahmān Sitāyish, Tehran: Wezārat Farhang Wa Irshād Islāmī
79. Majlisī, Muhammad Taqī,(1985), Rūḍ ah al-Muttaqīn, research: Sayyid Mūsawī Kirmānī and 'Alī Panāh Ishtihādūrī and Sayyid Faḍl Allah Ṭabāṭ abā'ī, Qom: Mu' assisah Farhangī Islāmī Kūshānpūr.
80. Muhaqqiq Hillī, Najm Al-Dīn Ja' far ibn Hasan (1997), al-Mu' tabar Manāfi' Fī Fiqh Imāmīyah, Qom: Mu' assish al-Maṭ bū'āt al-Dīnīyah
81. Muhaqqiq Hillī, Najm Al-Dīn Ja' far ibn Hasan (1986), al-Mu' tabar Fī Sharh al-Mukhtaṣ ar, Qom: Mu' assish Sayyid al-Shuhadā
82. Muhaqqiq Dāmā, Sayyid Muṣ ṭ afā(1985), Qawā'id Fiqh, Tehra: Markaz Nashr 'Ulūm Islāmī
83. Muhaqqiq Karakī, 'Alī Ibn Hussein(1993), Jāmi' al-Maqāṣ id fī Sharh al-Qawā'id, Qom: Mu'assisah Āl al-Bayt
84. Muhammad 'Alī(2008), Sharh 'Uṣ ul al-Fiqh, Qom: Dār al-Fikr, 10<sup>th</sup> edit
85. Muslim Ibn Hajjāj Nīshābūrī (n.d) Ṣ ahīh Muṣ līm, research: Muhammad Fu'ād 'Abd al-Bāqī Beirut: Dar Īhyā al-Turāth al-'Arabī,
86. Muṣ affar, Muhammad Riṣ ā (2008), Uṣ ūl Fiqh, Qom: Mu' assisah al-Nashr al-Islāmī.
87. Muḥ fīd, Muhammad ibn Muhammad (۱<sup>۹۹۷</sup>), al-Irshād fī Ma'rifat Hujaj Allah 'Alā al-'Ibād Qom: Confrence on Shaykh Muḥ fīd
88. Muḥ fīd, Muhammad ibn Muhammad (1992) al-Ifṣ āh fī al-Imām, Qom: Confrence on Shaykh Muḥ fīd.

89. Mufīd, Muhammad ibn Muhammad (1992) *Taṣ hīh al-I'tiqād*, Qom: Confrence on Shaykh Mufīd.
90. Mufīd, Muhammad ibn Muhammad (1992) *al-Fuṣ ūl al-Mukhtār*, Qom: Confrence on Shaykh Mufīd.
91. Mūsawī Khomeini, Sayyed Rūhullah (1994), *Anwār al-Hidāyah fī al-Ta'īqah 'Alā al-Kifāyah*, Qom: Tehran: Mu' assisah Tanẓ īm Wa Nashr Āthār al-Imām Khomeini
92. Najāshī, Ahmad Ibn 'Alī (1986), *Rijāl*, Qom: Jāme' ah Mudarresīn
93. Najafī Muhammad Hassan (n.d) *Jawāhir al-Kalām Fī Sharh Sharā'ī al-Islām*, research: 'Abbās Qūchānī, Beirut: Dar Īhyā al-Turāth al-'Arabī
94. Wahīd Bihbahānī, Muhammad Bāqir (1996), *Hāshīyah Majma' al-Fawā'id Wa al-Burhān*, Qom: Mu' assisah al-'Allāmih al-Mujaddad al-Wahīd al-Bihbahānī
95. Wahīd Bihbahānī, Muhammad Bāqir (n.d), and al-Hashīyah 'Alā Madārik al-Ahkām, Qom: Mu' assisah Āl al-Bayt Li Īhyā al-Turāth.
96. Wahīd Bihbahānī, Muhammad Bāqir, *al-Fawā'id al-Rijālīyah*.
97. Wahīd Bihbahānī, Muhammad Bāqir (2003), *Mṣ ābīh al-Ẓ alām*, Qom: Mu' assisah al-'Allāmih al-Mujaddad al-Wahīd al- Bihbahānī

## **Shaykh Anṣārī and Compensating the Weakness of Isnad in its Different Categories**

**Mohammad Mahdi Bagheri<sup>1</sup>**  
**Moshen Dimehkar Garab<sup>2</sup>**

Received: 2016/09/07

Accepted: 2016/02/27

### **Abstract**

Shaykh Murteḍā Anṣārī is one of the great Twelver jurists and scholars in the recent centuries. He has done valuable researches in compensating the weak isnad which is detectable in his scholarly heritage from different aspects: science of narrators, the principle of jurisprudence, isnad criticism and hadith history. Employing a descriptive – analytical method, this article has studied Shayh Anṣārī's approach to the weakness of isnad, elaborating his view on the methods of compensating it by classifying them. Shaykh Anṣārī's reveals that according to him the following matters can be considered as the most important compensations to the weakness of the isnad: its acceptance by jurists due to their injunctions based on it (injunction fame), narrated and genius consensus, jurisprudential rules, and compensating the weakness of narrator by been narrated on the authority of one of the " Aṣ ḥāb Ijmā' ". Narrating hadith with a sound isnad and its geniusness have been two other ways of defending the authority of hadith for the Imami scholars, an issue which has been discussed in this article along with studying the background of the compensation issue and its status in the Usūlī school of thought.

**Keywords:** Shaykh Murteḍā Anṣārī, Compensating the weak isnad, Injunction fame (shuhrat fatwāyī), Consensus.

---

<sup>1</sup> M.A. graduated in Hadith and Quranic sciences at Imam Sadegh University. (Responsible Author) m.baqeri135@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant professor in Hadith and Quranic sciences at Tarbiyat Modares University in Mashhad. mdeymekar@gmail.com